

تهدید تازه ترامپ علیه حماس

ترامپ در پیامی در شبکه اجتماعی خود مدعی شد حماس باید اجساد اسرای اسرائیلی-آمریکایی را بازگرداند و هشدار داد در غیر این صورت کشورهای مشارکت‌کننده در «صلح بزرگ» اقدام خواهند کرد. وی افزود برخی از اجساد در میان ویرانی‌های غزه یافت نمی‌شوند، اما «دلیل ندارد» حماس از تحویل دیگر اجساد خودداری کند. آتش‌بس اخیر با میانجی‌گری آمریکا مقرر کرده بود حماس تمام ۴۸ اسیر باقی‌مانده را آزاد کند، که ۲۰ نفر از آنان زنده بودند و طی سه روز آزاد شدند. تاکنون جسد ۱۵ نفر از صهیونیست‌ها تحویل داده شده‌است.

در مقابل، خلیل الحیه از رهبران حماس در گفت‌وگو با الجزیره تأکید کرد که این جنبش قصد ندارد به رژیم صهیونیستی بهانه‌ای برای از سرگیری جنگ بدهد و تیم‌هایی را برای جست‌وجوی اجساد به مناطق جدیدی در غزه اعزام کرده‌است. مصر نیز گروهی از کارشناسان خود را برای کمک به عملیات جست‌وجو وارد غزه کرده‌است.

با وجود آتش‌بس، درگیری‌های پراکنده و حملات رژیم صهیونیستی ادامه دارد و بنا بر آمار منابع درمانی غزه، بیش از ۹۰ نفر از زمان آغاز آتش‌بس به شهادت رسیده‌اند. ارتش اشغال‌گرددس با وجود آتش‌بس اعلام‌شده در غزه، بار دیگر منطقه‌ای در مرکز نوار غزه را هدف حمله هوایی قرار داد و به ادعای خود، یکی از اعضای جهاد اسلامی فلسطین را مورد هدف قرار داد؛ حمله‌ای که به زخمی شدن چند فلسطینی در اردوگاه النصیرات انجامید.

درهمین راستا، بنیامین نتانیاهو نیز در واکنش به گمانه‌زنی‌ها درباره وابستگی تصمیمات تل‌آویو به واشنگتن گفت که رژیم صهیونیستی برای اقدامات نظامی خود از هیچ‌کس اجازه نمی‌گیرد و سیاست امنیتی‌اش را مستقل تعیین می‌کند. ترامپ در مسیر سفر به مالزی در دوحه با امیر قطر دیدار کرد و گفت قطر نقش بزرگی در تحقق «صلح خاورمیانه» داشته و در صورت نیاز می‌تواند نیرو به غزه اعزام کند.

سقوط آخرین پایگاه ارتش سودان

در دارفور

شبه‌نظامیان «نیروهای واکنش سریع سودان» (RSF) موفق شدند آخرین پایگاه ارتش سودان در منطقه دارفور را تصرف کنند و بدین ترتیب کنترل بیشتر شهر محاصره شده الفاشر و یخش اعظم غرب سودان را در دست بگیرند. شهر الفاشر از بهار سال گذشته در محاصره بود و ده‌ها هزار غیرنظامی در شرایط حطی، بمباران روزانه و کشتار جمعی گرفتار مانده‌اند. نیروهای تحت فرمان «محمد حمدان دقلو» معروف به «حمیدتی» حلقه محاصره را بر شهر واردگاه آوارگان تنگ‌تر کرده‌اند. گزارش‌ها حاکی از اتمام کامل ذخایر غذایی شهر است و مردم حتی از خوراک دام برای زنده ماندن استفاده می‌کردند.

نیروهای واکنش سریع در بیانیه‌ای اعلام کردند که کنترل پایگاه ارتش سودان را در الفاشر به طور کامل در دست گرفته‌اند و تصاویر منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی، جشن آنها در داخل مقر نظامی و فرار هزاران غیرنظامی را نشان می‌دهد. هرچند برخی منابع محلی از مقاومت پراکنده ارتش در بخش‌هایی از شهر خبر داده‌اند، مقامات پیشین دولت سودان می‌گویند با توجه به تسلط نیروهای واکنش سریع بر خطوط تدارکات، سقوط کامل شهر تنها مسأله‌ای چندروزه است و پایان محاصره احتمالاً بسیار خونی‌ن خواهد بود.

تصرف الفاشر پیروزی مهمی برای نیروهای واکنش سریع محسوب می‌شود که با پشتیبانی تسلیحاتی و مزدوران وابسته به امارات متحده عربی که ابوظبی همواره آن را رد کرده علیه ارتش و گروه‌های متحدش در غرب سودان می‌جنگد. کنترل کامل دارفور موقعیت حمیدتی را در آینده سیاسی سودان تقویت می‌کند، هرچند شکست ارتش می‌تواند به تجزیه عملی کشور بینجامد. در همین حال علاءالدین نقود، سخنگوی دولت موازی حمیدتی در دارفور، از آزادسازی کامل الفاشر سخن گفت و آن را آغازی تازه برای صلح، عدالت و برابری در سودان خواند. همزمان، مسعد بولوس مشاور ارشد رئیس‌جمهور آمریکا در امور عربی و آفریقایی با مقامات مصر، عربستان و امارات دیدار کرد تا درباره آتش‌بس انسانی و گذار به حاکمیت غیرنظامی رایزنی کند. نهاد‌های حقوق بشری نیز هشدار داده‌اند که تصرف کامل شهر ممکن است به قتل عام گسترده غیرنظامیان منجر شود.



سیدرضاچشینی گروه بین‌الملل

دریای کارائیب این روزها شاهد بزرگ‌ترین لشکرکشی آمریکا از زمان حمله به پاناما در ۱۹۸۹ است. به‌نقل از رسانه پی‌بی‌اس، نیروی دریایی ایالات متحده در حال حاضر هشت ناو جنگی را با همراهی ۱۰ هزار پرسنل نظامی در اطراف ونزوئلا مستقر کرده و منتظر پیوستن ناو هواپیمابر یواس اس جرالدفورد از نیمکره شرقی است. بهانه اعلامی کاخ سفید برای گسیل چنین حجم وسیعی از نیروهای رزمی به کارائیب، مبارزه با کارتل‌های موادمخدر و هدف قراردادن قاچق‌های حامل کوکائین بوده‌اما مساله، بزرگ‌تر از گفتمان رسمی دولت آمریکاست. در همین راستا، ریک اسکات، سناتور ایالت فلوریدای آمریکا در گفت‌وگو با شبکه سی‌بی‌اس گفت: «اگر من به جای مادورو بودم، تا الان در راه چین یا روسیه بودم. اتفاق مهمی از داخل یا خارج [ونزوئلا] در شرف رخ دادن است و با سقوط مادورو، پایان کوبیا نیز در دسترس خواهد بود.» اما سیاست خارجی تهاجمی واشنگتن محدود به کاراکاس نمانده؛ اعمال تعرفه‌های ۵۰ درصدی بر کالاهای برزیلی، تمایل به کنترل کانال پاناما، احتمال تاسیس پایگاه نظامی در اکوادور و ارائه کمک مالی به دولت خاویر میلی توسط آمریکا حاکی از آن است که ترامپ احیای دکترین سنتی مونرو را در دستورکار قرار داده‌است. براساس این راهبرد ژئوپلیتیکی قدرت‌های نیمکره شرقی نباید در حوزه نفوذ واشنگتن مداخله کنند.

عملیات سیاه در کاراکاس

در پیش‌نویس جدید استراتژی دفاع ملی آمریکا تحت تاثیر البریح کولبی، معاون وزیر جنگ در امور سیاستگذاری، جایگاه نیمکره غربی مورد توجه بسیاری قرار گرفته‌است. در آمریکای لاتین، سه نوع دولت وجود دارد؛ برخی دولت‌ها نظیر ونزوئلا و کوبا از حیث امنیتی، ایدئولوژی و اقتصادی به قدرت‌های تجدید نظرطلب شرقی نزدیک هستند. دیگر کشورهای این منطقه عمدتاً مانند برزیل و مکزیک ضمن دوری از به‌چالش‌کشیدن قدرت نظامی واشنگتن، روابط تجاری وسیعی با چین دارند و الباقی همانند آرژانتین تحت‌الحمایه آمریکا ارزیابی می‌شوند. دستیاران ترامپ، خواهان انهدام کم‌هزینه کشورهای سوسیالیستی مستقل و هم‌پیمان مسکو به‌ویژه نیکلاس مادورو هستند.

جهان با نگرانی به افق‌های ژئوپلیتیک خیره شده‌است؛

آزمایش اخیر موشک کروز هسته‌ای روسیه، موسوم به بوروستنیک، موجی از واکنش‌های دیپلماتیک را برانگیخت. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، این آزمایش را «نامناسب» توصیف کرد و

با لحنی تند هشدار داد که ولادیمیر پوتین، همتای روسی‌اش، باید بر پایان‌دادن به جنگ اوکراین تمرکز کند، نه بر تست تسلیحات هسته‌ای. ترامپ در حالی‌که در هواپیمای ایرفورس‌وان سخن می‌گفت، افزود: «او باید جنگی را که قرار بود یک هفته طول بکشد، به پایان برساند؛ جنگی که حالا چهار سال است ادامه دارد.» این اظهارات، که با یادآوری حضور زبردربایی‌های هسته‌ای آمریکایی در نزدیکی سواحل روسیه همراه بود، نه‌تنها بر بعد نظامی، بلکه بر لایه‌های دیپلماتیک تنش‌ها تأکید داشت.

از سوی دیگر، کرملین با آرامشی حساب‌شده به این انتقادات پاسخ داد. سخنگوی کرملین، دمیتری پسکوف، اعلام کرد که روسیه براساس «منافع ملی خود» عمل می‌کند و این آزمایش‌ها بخشی از تلاش‌های مداوم برای تضمین امنیت ملی است.

این پاسخ، بدون ورود به جدال لفظی، بر اصل استقلال استراتژیک روسیه تأکید داشت و نشان‌دهنده استراتژی مسکو برای حفظ خونسردی در برابر فشارهای واشنگتن بود.

در واقع، این تبادل کلامی، هرچند کوتاه، نمادی از شکاف فزاینده میان دو قدرت اتمی است؛ شکافی که از ماه‌های پیش، با اقدامات زنجیره‌ای ترامپ در حمایت از اوکراین، ریشه دوانده و اکنون با پیشرفت‌های هسته‌ای روسیه، عمیق‌تر شده‌است.

از تهدید کلامی تا اقدامات نظامی

برای درک عمق این شکاف، باید به زنجیره‌ای از تصمیمات ترامپ بازگشت. در اوایل مهر، ترامپ قول ارسال موشک‌های کروز تاماهاک به کی‌یف را داد؛ تسلیحاتی که می‌توانستند روند اتفاقات نظامی در جبهه شرقی اروپا را تغییر دهد. این وعده، که در دیدار با ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، مطرح شد، به عنوان سیگنالی برای تشدید حمایت واشنگتن تفسیر شد اما تنها چند روز بعد، ترامپ این تصمیم را لغو کرد و استدلال کرد که تعداد این موشک‌ها محدود است و ایالات متحده به لحاظ استراتژیک به آنها احتیاج دارد و از سوی دیگر ممکن است به «تشدید غیرضروری» درگیری‌ها منجر شود. این عقب‌نشینی، هرچند ظاهراً تاکتیکی، سؤالاتی را در مورد ثبات سیاست خارجی ترامپ برانگیخت و به کی‌یف پیامی دوگانه فرستاد: «حمایت می‌کنیم اما محدود.»

دزد نفت

ترامپ چشم طمع به ونزوئلا دوخته‌است



واشنگتن امیدوار است که با تغییر رژیم در کاراکاس، مسیر انتقال نفت به کوبا نیز مسدود شده و هاوانا نیز بالاخره بعد از انقلاب ۱۹۵۹ کاسترو به زیر سلطه آمریکایی‌ها بازگردد. برای تحقق راهبرد مذکور، ترامپ با آغاز «عملیات سیاه» سازمان سیادر ونزوئلا موافقت کرده‌است. در چنین عملیات‌هایی منابع مالی، عوامل میدانی و اهداف نهایی پنهان می‌مانند

و ترورهای هدفمند، کودتاهای پنهان، عملیات روانی، تبلیغاتی مخفی، تامین مالی-تسلحاتی واشنگتن امیدوار است که با تغییر رژیم در کاراکاس، مسیر انتقال نفت به کوبا نیز مسدود شده و هاوانا نیز بالاخره بعد از انقلاب ۱۹۵۹ کاسترو به زیر سلطه آمریکایی‌ها بازگردد. برای تحقق راهبرد مذکور، ترامپ با آغاز «عملیات سیاه» سازمان سیادر ونزوئلا موافقت کرده‌است. در چنین عملیات‌هایی منابع مالی، عوامل میدانی و اهداف نهایی پنهان می‌مانند

و ترورهای هدفمند، کودتاهای پنهان، عملیات روانی، تبلیغاتی مخفی، تامین مالی-تسلحاتی

برش

تصویب قانون پشتیبانی از مادورو در روسیه

باتوجه به تنگ‌ترشدن حلقه محاصره دریایی ونزوئلا، قدرت‌های تجدیدنظرطلب نیز شروع به کنش‌گری بر ضد سیاست‌های مطلوب واشنگتن کردند. در فرمانی که دیروز در وسایت رسمی اطلاعات حقوقی دولت روسیه منتشر شد، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، قانون مربوط به «مشارکت راهبردی میان فدراسیون روسیه و جمهوری بولیواری ونزوئلا» را امضا کرد. این قانون به‌منزله رسمیت یافتن توافقی است که در جریان سفر نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا، به مسکو در هفتم ماه می امضا شد. براساس مفاد این توافق، دو کشور همکاری‌های خود را در حوزه‌های کلیدی همچون اقتصاد، انرژی، معدن، فناوری و زیرساخت‌های صنعتی گسترش

گزارش

تنش پنهان میان کرملین و کاخ سفید به بالاترین حد خود رسیده‌است

موشک روسی روی اعصاب واشنگتن



تحریم، موشک و دارایی‌های بلوکه‌شده

با این حال، ترامپ در مراحل بعدی، فشار بر روسیه را افزایش داد. او اجازه استفاده از موشک‌های برد بلند غربی-از جمله

استروم شادو- را به اوکراین داد تا اهدافی در عمق خاک روسیه را هدف قرار دهد. این مجوز، که در میانه مهر اعلام شد، می‌تواند «خطوط قرمز» مسکو را تحریک کند و به نیروهای اوکراینی امکان دهد که تاسیسات نظامی و لجستیکی در عمق خاک روسیه را مورد حمله قرار دهند. ترامپ این اقدام را «گامی منطقی» برای دفاع از متحدین خود توصیف کرده‌اما منتقدان آن را عاملی برای فرسایشی‌ترشدن درگیری‌ها در اوکراین می‌دانند.

موضوع دارایی‌های بلوکه‌شده روسیه نیز در این زنجیره قرار می‌گیرد. ترامپ با چراغ سبز به اروپا، راه را برای استفاده از سود سالانه دارایی‌های منجمدشده بانک مرکزی روسیه حدود ۲۰۰ میلیارد یورو هموار کرد. رهبران اتحادیه اروپا، تحت فشار واشنگتن، طرحی را برای وام‌دهی ۱۴۰ میلیارد یورویی به اوکراین براساس این سودها تصویب کردند. این اقدام، که از بهار ۲۰۲۴ آغاز شده، سالانه تا ۳ میلیارد یورو درآمد ایجاد می‌کند و مستقیماً به بازسازی زیرساخت‌های اوکراینی اختصاص می‌یابد. ترامپ این را «عدالت اقتصادی» خواند اما از منظر روس‌ها، این اقدام غارت آشکار دارایی‌های ملی روسیه تلقی می‌شود.

اوج این اقدامات، تحریم‌های تازه علیه دو غول نفتی روسیه لوک‌اویل و روس نفت بود. در ۳۰ مهر، وزارت خزانه‌داری آمریکا این شرکت‌ها را هدف قرار داد و آنها را «ماشین پول‌سازی جنگ» نامید. این تحریم‌ها، که بیش از ۵ درصد تولید جهانی نفت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، صادرات روسی به اروپا و آسیا را مختل

در انتخابات میان‌دوره‌ای را شکل داد. ترامپ پیشتر تهدید کرده بود که در صورت شکست میلی، حمایت از آرژانتین را متوقف خواهد کرد. به‌نظر می‌رسد خط مبادله ۲۰ میلیارد دلاری کاخ سفید برای حمایت از دولت میلی همچنان برقرار بماند و در برابر این کمک حیاتی، سیاست‌گذاری‌های کلان بونئوس آپرس توسط آمریکایی‌ها تنظیم خواهد شد. موفقیت مدل ایجاد «خطوط تبادل مالی» با کشورهای لاتین، این شیوه اقتصادی را به اهرم جدید واشنگتن در منطقه تبدیل خواهد کرد.

قدرت سرکش

ریشه رفتارهای تهاجمی در سیاست خارجی آمریکا را بایستی در شکست پروژه «نظم لیبرال» پساجنگ سرد جست‌وجو کرد. جمهوری خلق چین و فدراسیون روسیه، به‌عنوان دو قدرت تجدیدنظرطلب، با زیرکی مزایای نسبی خودشان را هنگامی‌که واشنگتن درگیر جنگ‌های بی‌پایان در خاورمیانه بود، حول محور تجارت و انرژی افزایش دادند و با فوئل نسبی آمریکا از ۲۰۰۸ به تدریج مجدد نظم جهانی از اوراسیا تا اقیانوس آرام اهتمام ورزیدند. شرکت‌های چینی، با اخذ پروژه‌های ساخت‌وساز و سرمایه‌گذاری خارجی و ارتش روسیه با انجام آزمایش‌های مشترک زمینی و دریایی و انعقاد موافقت‌نامه‌های راهبردی با آمریکای لاتین، به جناح جنوبی ایالات متحده نفوذ کردند.

در واکنش به تحولات ذکرشده، آمریکا نظم لیبرالی مستقر از زمان جنگ جهانی دوم را نه مؤثر بلکه هزینه‌ای بیش‌وده ارزیابی کرده چراکه متحدان دیرینه این کشور نه‌تنها ظرفیت همراهی نظامی با واشنگتن را ندارند بلکه از کنترل امنیت مرزهای‌شان عاجز هستند؛ درواقع انتخاب جنجالی دونالد ترامپ، پاسخ افکار عمومی آمریکا به شکست‌های دهه‌های اخیر در حوزه سیاست خارجی و افزایش تعهدات بدون منفعت جهانی است. درواقع آمریکای جدیدی که درحال شکل‌گیری است، دیگر نه بین‌الملل‌گراست و نه انزواطلب، بلکه آمریکای سرکشی است که به‌غیراز منافع نسبی کاخ سفید، به‌هیچ‌مساله هنجاری‌ای پای‌بند نیست؛ البته این تفسیر به‌معنای قداست آمریکای پیش از ترامپ نیست بلکه منظور تشدید رفتارهای یک‌جانبه‌گرای واشنگتن و دوری از تفکرات ایده‌آلیستی در اقصی نقاط جهان به‌ویژه آمریکای لاتین با هدف احیای دکترین مونرواست.

همزمان، روسیه بر به‌روزرسانی «سه‌گانه هسته‌ای» خود شامل موشک‌های زمینی، دریایی و هوایی سرمایه‌گذاری کرده‌است. مانوژهای هسته‌ای اخیر، که در ۲۰ مهر با حضور مستقیم پوتین برگزار شد، شامل پرتاب موشک بالستیک قاره‌پیمای «پارس» بود. این آزمایش، بخشی از تمرین‌های آمادگی نیروهای استراتژیک روسیه بود و بر قابلیت‌های بازآزنده مسکو تأکید داشت. پوتین، این اقدام را «تضمین امنیت ملی» توصیف کرد. این مانورها، نشان‌دهنده پیشرفت مداوم در سه‌گانه هسته‌ای روسیه است؛ پیشرفتی که از ژوئن ۲۰۲۵ با اعلام افزایش تولید موشک‌های «اورشنیک» شتاب گرفته‌است.

اوج پاسخ‌های مسکو، در ۳ آبان رخ داد. پوتین، با پوشیدن لباس نظامی و حضور در «اتاق جنگ» ستاد کل نیروهای مسلح، شخصاً بر آزمایش موشک کروز هسته‌ای جدید نظارت کرد. این تست، که جزئیات فنی آن محرمانه مانده، به‌عنوان پاسخی مستقیم به تحرکات ترامپ تفسیر می‌شود. موشک بوروستنیک، با برد ادعایی «نامحدود» و قابلیت دورزدن دفاع‌های هوایی غربی، نه‌تنها پیشرفت فنی، بلکه پیامی استراتژیک است؛ پیامی که می‌گوید روسیه آماده حفظ تعادل قدرت اتمی است، حتی اگر به‌قیمت افزایش تنش‌ها تمام شود.

این چرخه اقدامات، شکاف میان روسیه و آمریکا را عمیق‌تر کرده‌است. آنچه در ظاهر دیپلماتیک، به‌عنوان «اختلافات کنترل‌شده» جلوه می‌کند، در باطن، به یک رقابت ساختار یافته تبدیل شده؛ رقابتی که مرزهای جنگ سرد را به یاد می‌آورد و نشان از شروع جنگ سردی جدید دارد. ترامپ، با استراتژی «فشار حداکثری»، سعی در وادارکردن مسکو به عقب‌نشینی دارد اما این رویکرد، بدون توجه به واقعیت‌های میدانی، ممکن است به بن‌بست منجر شود. از سوی دیگر، روسیه با تمرکز بر بازدارندگی و استقامت، نشان می‌دهد که فشارهای خارجی نمی‌تواند اراده ملی این کشور را تحت تأثیر قرارداد.

از منظر سیاسی، هر دو طرف تلاش می‌کنند اختلافات را «کنترل‌شده» نشان دهند. ترامپ از مذاکرات بالقوه با پوتین سخن می‌گوید، در حالی که کرملین بر «دست دوستی» برای تمدید معاهده «استارت جدید» تأکید دارد؛ اما این ژست‌ها، در سایه آزمایش‌های هسته‌ای و تحریم‌ها، بیشتر به‌عنوان پوششی برای تشدید پنهان اختلافات عمل می‌کنند. افزایش شکاف، نه‌تنها بر روابط دوجانبه، بلکه بر ثبات جهانی تأثیر می‌گذارد.

چرخه تنش

در نهایت، این تنش‌ها یادآوری می‌کنند که در دنیای چندقطبی امروز، قدرت واقعی نه در وعده‌های روزگدر، بلکه در استقامت استراتژیک نهفته‌است. روسیه، با به‌روزرسانی سه‌گانه هسته‌ای و تمرکز بر اهداف میدانی، مسیری را طی می‌کند که امنیت ملی را در اولویت قرار می‌دهد؛ مسیری که، هرچند پرهزینه، بر پایه اصول حاکمیتی بنا شده‌است. جهان منتظر است تا ببیند آیا این چرخه به آتش‌بس ختم می‌شود یا به عمق بیشتری فرو می‌رود.